

علماء و اولتیماتوم روس (۱۳۲۹ ق.)

محسن بهشتی سرشت^۱

چکیده: داستان اولتیماتوم روس به ایران (۱۳۲۹ ق.)، در شرایطی رخ داد که از عمر انقلاب مشروطیت ایران نزدیک به پنج سال می‌گذشت. دولتمردان جدید، مردم و بویژه مجلس شورای ملی، تلاش می‌کردند عقب ماندگیهای ایران را در سایه حکومت پارلمانی جبران سازند و ایران را همچون کشور ژاپن که به مشروطیت دست یافته بود به مراحل از توسعه و ترقی رهنمون سازند. اما در همین مدت اندک مستبدین شکست خورده با حمایت و پشتیبانی دو دولت روس و انگلیس، تحولات جدید را برناتفند و از طریق کودتا، تشنج و آشوب در بلاد، تجزیه کشور در قالب قراردادهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷، سبازان مجلس و سرانجام حادثه اولتیماتوم سعی نمودند کشور را ضعیف و مردم ایران را از رخداد انقلاب مشروطیت پیشیمان سازند. در حفظ و نگهداری مشروطیت، علما و روحانیون ایران بویژه نجف حساسیت و اهتمام بیشتری نسبت به سایر نیروهای اجتماعی از خود نشان دادند. با اینکه در طول پنج سال بی‌مهری و ناملایمات فراوانی مشاهده نمودند و افرادی مثل شیخ فضل‌الله نوری و سید عبدالله بهبهانی به شهادت رسیدند، معذک در دفاع از مشروطیت از پای ننشسته و در واقعه اولتیماتوم روس، علمای بزرگ نجف و ایران با صدور فتاوی جهاد و تحریم کالای اجنبی به دفاع جانانه از دستاورد انقلاب و کیان کشور ایران

۱. مدیر گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

پرداخته و افزون بر آن در یک حرکت دسته جمعی برای مبارزه با روس به ست ایران حرکت نمودند.

در این مقاله به چگونگی تصمیم دولت ایران در استخدام مستشار آمریکایی (مورگان شوستر) جهت ساماندهی وضعیت اقتصادی ایران، نقش دولت و مجلس ایران (مجلس دوم) در این رابطه و سرانجام نقش و موضع علمای نجف و روحانیون ایران پرداخته می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که از دیدگاه علما، حادثه اولیماطوم به مثابه بود و نبود انقلاب مشروطیت مطرح بود و سکوت در برابر آن را به منزله پیروزی استبداد و استعمار تلقی می‌نمودند لذا با تمام قوا و ظرفیت لازم قیام کردند و در این مسیر حتی مخالفین نظری مشروطیت هم به مبارزین پیوستند.

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد و منابع مربوط به واقعه مذکور به رشته تحریر درآمده است. تلاش شده است تا گوشه‌های دیگری از چگونگی برخورد نهاد دین با تهاجم استعمار در دویست سال اخیر مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. مقاله در پایان نشان می‌دهد که با مرگ مشوک آخوند خراسانی رهبر قیام، و برافزادن عمود خیمه انقلاب، مشروطیت ایران به آخر خط می‌رسد و از آن پس مفدمات ازوا و به حاشیه راندن علما از بستر و متن سیاست آغاز می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اولیماطوم روس، انقلاب مشروطیت، مورگان شوستر، آخوند خراسانی، مجلس دوم.

مدخل

حوادثی که در پی استقرار مجدد مشروطیت پیش آمده بود از هم گسیختگی رشته امور مالی و امنیت ملی را به دنبال داشت. هرج و مرج سیاسی و اجتماعی حکایت از ناتوانی زمامداران جدید می‌کرد و در این میان رقابت دو قدرت روس و انگلیس در ایران دشواریها و ویرانیها را تشدید می‌ساخت.

بر اثر نداشتن یک برنامه صحیح و منسجم به منظور اداره امور مالی کشور، سرانجام مجلس دوم به این نتیجه رسید که با استخدام مستشار خارجی، به ساماندهی امور پرداخته و با تقویت نظام دخل و خرج مملکت، گامی در جهت بهبود اوضاع و تقویت بنیه مالی کشور بردارد. اما از آنجا که خاطره تلخ نوزیلژیکی در اذهان غالب مردم و سیاسیون باقی مانده بود، این بار مجلس

تصمیم گرفت به دور از گردونهٔ سیاسی دو دولت رقیب در ایران (روس و انگلیس) از دولت آمریکا مدد جوید تا بدین وسیله از دخالت و سلطهٔ دولتهای مذکور رهایی یابد.

به همین منظور در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۸ ق. به میرزا علیقلی خان نبیل الدوله کاردار ایران در واشنگتن دستور داده شد که از دولت آمریکا بخواهد، کسانی که در امور مالیه آمریکا مهارت تامی دارند معرفی نموده و برای استخدام یک نفر خزانه دار کل که «از مردان کافی و کاردان و بی‌آلایش آمریکا و امین و موثق باشد به جهت تجدید و تشکیل و پیشرفت و نظم جمع و خرج مالیه ایران به مدت سه سال دعوت به عمل بیاورد» [سفری ۱۳۷۰: ۴۳۶].

مقدمات حادثه

مورگان شوستر، از طرف دولت آمریکا انتخاب و در تاریخ هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۹ وارد بندر انزلی گشت و پس از چند روز در تاریخ ۲۲ جمادی الاولی رسماً معرفی و مشغول کار گردید. در آن تاریخ یکی از منابع مالی و درآمد دولت گمرکات کشور بود. پس از خروج مسیو نوز تشکیلات گمرکخانه توسط مسیو مرنارد، معاون نوز، با سی نفر بلژیکی اداره می‌شد. اولین دسته‌ای که در مقابل وی به جبهه‌گیری برخاستند مرنارد بلژیکی بود که تلاش می‌نمود وی را ضعیف و ناامید سازد. از طرفی دولت سپهدار در تلاش استقراض جدیدی از بانک شاهی به مبلغ یک میلیون و دویست هزار لیره انگلیسی توسط مرنارد بود که مورگان از آن جلوگیری می‌کرد. بدیهی است که این حرکت، انگلیسها و تعدادی از رجال دولت را از کارهای او بیمناک می‌ساخت. شوستر وجود نیروهای مسلح را برای تضمین اجرای اصلاحات مالی ضروری می‌دانست و به همین جهت، نیروی جدیدی از ژاندارم تحت فرماندهی استوکس^۱ مخصوص گمرک و مالیه ترتیب داد. فرمانده این دسته انگلیسی، قبلاً واسطهٔ نظامی سابق بریتانیا در ایران بود. این عمل شوستر موجب نارضایتی و اعتراض روسیه گشت به طوری که بر اثر فشار روس و انگلیس، استوکس ایران را ترک کرد و رهسپار هندوستان شد. حادثهٔ مهم دیگر که رخ داد مصادرهٔ اموال شعاع السلطنه، شاهزادهٔ یاغی قاجار، بود که توسط دولت ابلاغ گردیده بود. در پانزدهم شوال همان سال شوستر از طرف دولت ایران مأموریت یافت که باغ شعاع السلطنه واقع در

1. Stokes

تهران را تحویل بگیرد و به دولت واگذار نماید. هنگامی که ژاندارمهای تحت فرمان شوستر به محل باغ رفتند با مقاومت قزاقهای روس رو به رو شدند و روسیان به بهانه اینکه املاک شعاع السلطنه در گرو بانک روس است، از تحویل آن خودداری ورزیدند. برخورد تند دسته ژاندارم و شوستر با قزاقان روس که از آن پس نتایج وخیمی برای ایران به دست داد، مورد تنقید عده‌ای از مورخان و تحلیل‌گران قرار گرفته است. سایکس مورخ انگلیسی، فرستادن ژاندارم به منطقه نفوذ روس را اشتباه اعلام کرده و معتقد است که مورگان یک قضیه ساده و روشنی را پیچیده و خراب کرده و ایران را در یک وضع بحرانی قرار داده است [1921: 424 - 425].

کسروی با نکته‌سنجی خاصی ضمن آنکه مراتب ایران دوستی مورگان را تصدیق می‌نماید، اضافه کرده است:

... می‌بایستی پیش آمد را از راه سیاست و با دست وزارت خارجه یکرویه کنند، نه اینکه شوستر صد تن ژاندارم فرستاده و با زور قزاقها را لخت کرده بیرون رانند. راست است ایران کشوری آزاد است و قونسول روس را نمی‌رسید که به کارهای درونی دست یازد ولی می‌بایست فراموش نکنند که روسیان آزادی ایران را به هیچ گرفته و به همه شهرهای شمالی سپاه آورده بودند [۲۲۹ - ۲۳۰].

کسروی عمل مورگان را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که او بهانه به دست روسیان داده است. حزب دمکرات در داخل کشور با تندروی خاصی از اقدامات مورگان حمایت می‌کرد و در شرایطی که عمر دوساله مجلس به اتمام می‌رسید به پیشنهاد حزب دمکرات و فراکسیون آن در مجلس، مقرر شد به مدت شش ماه دیگر ادامه کار مجلس تمدید گردد [زمانی ۱۳۷۹: ۱۱۸]. در داخل دولت وزیر خارجه میرزا حسن خان وثوق الدوله به شدت با اقدامات شوستر مخالفت می‌ورزیدند.

اولین اولتیماتوم

به دنبال حادثه باغ شعاع السلطنه اولین اولتیماتوم روس به ایران صادر گردید. بر طبق اولین یادداشت سفیر روس به ایران، ژاندارمهای شوستر می‌بایستی هر چه سریعتر محوطه باغ را ترک

کنند و املاک را کمافی السابق باقی گذارند. به گفته عبدالله مستوفی یکی از رجال ناظر بر قضیه، مورگان با اغوای حزب دمکرات حاضر نشد نیروهای خود را از باغ خارج سازد و بدین ترتیب دومین اولتیماتوم روسها به ایران با مضمون شدیدتری صادر شد.

روسها خواستار اخراج فوری شوستر از ایران شدند و از دولت ایران می‌خواستند که بعد از این بدون رضایت دولت روس از خارجه مستشار استخدام نکنند و وزیر امور خارجه ایران رسماً به سفارت آمده و از روسها عذرخواهی کند [مستوفی ۱۳۷۱ ج ۲: ۳۵۹].

خبر انتشار اولتیماتوم روس هیجان عجیبی در ملت ایران و خصوصاً در تهران ایجاد کرد. مردم خشمگین در اولین اقدامات خود از سوار شدن تراموای اسبی و ترن راه آهن خودداری می‌کردند. از سوی علمای نجف خوردن مواد غذایی و استفاده از کالاهای روس ممنوع و حرام اعلام گردید. قند روس مورد تحریم قرار گرفت دانشجویان مدرسه سیاسی که نوعاً از فرزندان رجال بودند، دست به تظاهرات و شعارگویی علیه روسها زدند [مجید کفائی ۱۳۵۹: ۲۳۹ - ۲۴۶].

آغاز مذاکرات مجلس

در چنین جوّ التهاب و شور و هیجانی مذاکرات پیرامون اولتیماتوم در مجلس آغاز گشت مذاکرات از جلسه ۳۲۹، ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۲۹ تا جلسه ۳۳۲، ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ادامه داشت. در این جلسات نمایندگان دولت بخصوص وثوق الدوله تلاش می‌کردند که به نحوی نظر مجلس را درباره تأمین نظریات روس جلب نمایند. در بین نمایندگان مجلس، شیخ محمد خیابانی با ایراد نطقهای مهیج تلاش در جهت ردّ اولتیماتوم داشت. وی در اولین نطق خود به استناد اصل آزادی و استقلال ملتها که به تعبیر شیخ محمد، پانصدسال پیش وضع شده است؛ پذیرش خواسته روس را ناقض اصل استقلال و آزادی ملت ایران دانست و با آن مخالفت ورزید [مشروح مذاکرات مجلس دوم جلسه ۳۲۹: ۱۹۱۸]. روسها در یادداشت‌های خود، هزینه لشکرکشی به صفحات شمالی را طلب می‌نمودند. وثوق الدوله در نطق توضیحی خود با انتقاد از وضعیت موجود کشور و بحرانهای سیاسی و اجتماعی که سراسر کشور را فراگرفته است اظهار می‌دارد که حلّ مشکلات موجود بستگی به دولت مقتدر دارد در حالی که امروز ما دولت نداریم تا چه رسد به حکومت مقتدر [مشروح مذاکرات مجلس دوم جلسه ۳۲۹: ۱۹۱۸].

روس به دنبال اولتیماتوم، قشون خود را تا بندر انزلی و مسیر راه رشت - قزوین وارد ساخت. در آخرین یادداشت خود چهل و هشت ساعت مهلت برای پاسخ مثبت از دولت ایران می‌خواستند و در این میان دولت تلاش می‌کرد که از مجلس رضایت و وکالت در این امر را بگیرد. وثوق الدوله در نطق خود به بحران فزاینده و ورود قریب الوقوع سپاه روس به تهران اشارت کرد.

احساسات ملی افشار مختلف مردم را فراگرفته بود، به طوری که سیصد تن از زنان تهران در حالی که در چادرهای سیاه و نقابهای مشبک ظاهر شده بودند و بعضاً سلاح حمل می‌کردند، وارد مجلس شده و از رئیس مجلس خواستار مقاومت در برابر اولتیماتوم روس بودند [شوشتر ۱۳۵۱: ۲۳۵].

شیخ محمد خیابانی در دومین نطق خود، در حالی که به سختی مخالفت می‌کرد، اظهار داشت:

... همین قدر عرض می‌کنم که یک ملت مظلومی که شش هزار سال است استقلال داشته است نمی‌تواند استقلال خود را از دست بدهد... عرض می‌کنم که آن سه ماده را مجلس نمی‌تواند قبول بکند [مشروح مذاکرات مجلس دوم جلسه ۳۲۹، ۱۹۲۵].

استمداد از علمای نجف

رئیس مجلس (مؤتمن الملک) طی تلگراف به نجف اشرف و خطاب به آخوند خراسانی، موضوع تجاوز روسها و اشغال بخشی از خاک ایران را به اطلاع ایشان رسانید و از مشارالیه کسب تکلیف کرد [مجدد کفانی ۱۳۵۹: ۲۳۹ - ۲۴۶]. به موازات تجاوز روسها به شمال، انگلیسیها نیز فرصت را غنیمت شمرده و به بهانه ناامنی راههای جنوب، طی یادداشتی به دولت ایران، مهلت سه ماهه‌ای برای تأمین راهها ابلاغ نمود در غیر این صورت دولت انگلیس با تشکیل نیرویی در جنوب به رقابت با نیروهای قزاق روس خواهد پرداخت [کسروی: ۲۳۰].

آخوند خراسانی قبل از هرگونه اقدامی علیه روس، با صدور اعلامیه‌ایی خطاب به دولت انگلیس عمل انگلیسیها را محکوم و تقبیح کرد. در بخشی از اعلامیه چنین آمده است:

... هرگز گمان نبود از دولت حق پرست، آزاد یخواه که در اقطار عالم خود را معرفی به طرفداری حقوق نوع بشر فرموده‌اند مسلک قدیم و قویم خود را از دست داده، در محو آزادی و استقلال ایران، با دولت روس همدست شوند و نظیر معاملات روس در شمال، نسبت به جنوب ایران درصدد برآیند. ملت تازه بیدار ایران که به جهت مدافعه از حقوق وطنیه، گسیختن زنجیر اسارت و خلع طوق رقیت خاندان سلطنت خود، این همه خونها ریخته و قربانها نموده و خانمانها بر باد داده تا جان در بدن دارد به رقیت اجانب تمکین نخواهد کرد و در بدل بقیه نفوس و اموال در طریق حفظ استقلال مملکت که اولین وظیفه دینیه مسلمین است حاضر و مهیا خواهد بود. مقام ریاست روحانیه اسلامی هم در دفاع از حوزه مسلمین از هر نحو اقدامی کوتاهی نخواهد کرد [مجید کفانی ۱۳۵۹: ۲۵۱].

در اعلامیه فوق، آخوند مثل همیشه استقلال مملکت را مد نظر داشته و نفوذ بیگانه در ایران را خلاف و دفاع از حوزه اسلامی را واجب می‌شمارد قبل از آنکه خبر اولتیماتوم دوم روس مبنی بر چهل و هشت ساعت مهلت به نجف برسد «آخوند و مازندرانی» طی یادداشتی به سفیر ایران در پترزبورگ از دولت روس شدیداً خواستار خروج عساکر آنها از شمال شدند:

... مستدعی است محض محافظه حسن جوار، امر و مقرر فرمایند بدون مزاحمت و تولید اشکال، عساکر روس را معاودت داده، زیاده بر آن عزت نفس مسلمانان را تحقیر نکنند [مجید کفانی ۱۳۵۹: ۲۵۲].

شاهدان ماجرا، جنب و جوش خاصی را در میان شیعیان عراق و نجف گزارش داده‌اند. مردم هر روز در منزل مراجع اجتماع کرده و از آنان می‌خواستند که خارجیان را بر سر جای خود نشانند [مجید کفانی ۱۳۵۹: ۲۵۳].

مبارزه منفی یا تحریم کالای اجنبی

اقدام بعدی آخوند و همکارانش فتوای تحریم کالاهای روس در ایران بود. علمای استرآباد درباره

مصارف کالای خارجی و خصوصاً روسیه استفتایی از علمای نجف نمودند. آخوند و مازندرانی در پاسخ مطالب مهمی را متذکر شدند و تحلیل خود را از اوضاع جاری در آن بیان داشتند.

... عموم غیرتمندان اسلامی و پیروان حضرت خاتم النبیین (ص)... البته این معنی را تا به حال فهمیدند و به رأی العین می بینند که استعمال امتعه خارجی در بلاد اسلامی تا به حال به چه درجه موجب ذهاب ثروت مملکت و نسخ منابع داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار شده... بقاء سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه صلوات... علیهم خدای نخواستہ مؤدی خواهد بود... عموم آقایان علما و امراء و تجار محترم و طبقات غیرتمندان اسلامی تمام این مفاصد را نصب العین خود فرموده به همان فطرت پاک ایمانی و به شرافت طبع اسلامی پرستی از این امتعه خبیثه و فصول عیش که موجب ذهاب دین مبین و استیلای کفر بر ممالک اسلامی است با عزمی راسخ و جزمی ثابت بکلی اغماض در فوز، به فیض این جهاد اقتصادی که به منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فداء است، مسارعت و بر همدیگر مسابقت خواهند فرمود... [نجفی ۱۳۷۱: ۵۸-۵۹].

آخوند در این فتوا، از اصطلاح جهاد اقتصادی سخن می راند و آن را برابر با جهاد در رکاب امام زمان (عج) می شمارد.

مواضع علمای ایران

به دنبال فتوای علمای نجف، علمای ساکن ایران از جمله علمای اصفهان، شیراز و تبریز فتوا به تحریم کالاهای روس و انگلیس دادند. علمای فارس در پاسخ به تجاوزات سربازان هندی به مناطق جنوب و به موازات تجاوز روسها به شمال، فتوا به تحریم کالای انگلیس و روس را صادر نمودند [نجفی ۱۳۷۱: ۶۵].

عالم بزرگ خطه جنوب، ابراهیم الشریف محلاتی، طی اطلاعیه‌ای ضمن تحریم کالاهای

اجنبی، برای مرتکبین تعزیر شرعی نیز اعلام نمود:

... خرید از تجارخانه‌های این دو دولت چه در داخل ایران و چه در خارجه اگر چه سفارشی شده باشد و حمل نمودن آنچه خریده شده از خارجه به داخله ایران و حمل نمودن اجناس موجوده در بنادر ایران به ممالک ایران، آنچه متعلق به خارجه است... بعد از بیست و پنج روز از تاریخ این تحریر، اعظم محرمات شریعه و باد دادن اسلام و خیانت بزرگ به صاحب شریعت مقدسه... و اعانت به کفر و مخاصمه با امام زمان عجل... می‌باشد و کسی که مخالفت با این احکام یا تقلبی در آنها نماید از تاجر و دلال و مکاری باشد و اشنع و انحای تعزیر شرعی خواهد شد [محل مهر آقایان علمای فارس] [نجفی ۱۳۷۱: ۶۷].

بدین ترتیب بار دیگر شور و احساس ملی با حمیت و غیرت دینی آمیخته شد و در یکی از حساسترین شرایط تاریخ ایران، در حالی که کشور فاقد قدرت مادی و نظامی بود با این حضور گسترده مردم در صحنه سیاست و دفاع و صیانت از کیان ملیت و اسلامیت، علما و رجال سیاسی و نمایندگان مجلس را در یک صف واحد به مبارزه سرنوشت ساز علیه استیلای خارجی و تحقیر هویت ملی دعوت می‌کرد. *مپویر علوم اسلامی* بخش مهمی از شیوه مبارزاتی علما در این مقطع به تحریم کالاهای خارجی در ایران، اختصاص یافت [روزنامه کیهان].

پایداری و مقاومت وکلا

مجلس ایران تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه همچنان پایدار و مقاوم در برابر اولتیماتوم باقی مانده بود.

یکی از نمایندگانی که به مخالفت با پذیرش اولتیماتوم برخاسته بود، شیخ رضا دهخوارقانی بود. وی طی نطقی با پیشنهاد کمیسیون منتخب از سوی مجلس برای حل مسأله مخالفت کرد و در استدلال خود علیه پذیرش اخطار روس اظهار داشته بود که مجلس از آن ملت است نه دولت و ملت مجلس را تأسیس کرده که دیگر اجنبی همانند سابق در کشور نفوذ نداشته باشد. حال

چگونه ممکن است که نمایندگان تسلیم خواسته دولت روس گردند [مشروع مذاکرات مجلس دوم ۱۹۲۷]. وی بعدها با تحریر رساله خطی پیرامون واقعه اولتیماتوم به نکات بیشتر و ظریفتری پرداخته و مطالب ناگفته‌ای را در خصوص آن رویداد تاریخی بیان داشته است [دهخوارقانی ۱۳۵۶]. در آخرین جلسه مجلس مورخ پنجشنبه ۲۹ شهریور ذیحجه، نمایندگان به آخرین نطقهای خود پرداخته، زیرا زمان اتمام حجت روس در شرف اتمام بود. شیخ محمد خیابانی با همان صلابت روزهای اول مجدداً در مخالفت با پذیرش اولتیماتوم صحبت کرد و آن شب را یک شب تاریخی و استثنایی اعلام داشت. اظهارات و مشاهدات مورگان یکی از طرفهای اصلی این قضیه، حائز اهمیت است وی در کتاب معروف خود آخرین جلسه را چنین توصیف می‌نماید:

... صمصام السلطنه رئیس الوزراء، در موقعی که یقین نمود که برای بحث و مذاکره و کلا در باب اولتیماتوم روس وقت کافی باقی نمانده، قریب به ظهر هنگامی که موعد، در شرف انقضا بود اظهار کرد که وکلا اختیارات تامه به کابینه بدهند تا اولتیماتوم روس را قبول نماید. این رأی و اظهار در حالت سکوت تام خوانده شد. بعد از ختم آن، به طوری سکوت و بهت بر تمام مردم جاری شد که هفتاد و شش نفر وکلای موجوده پارلمان، از پیر و جوان و علما و پیشوایان مذهبی و وکلای عدلیه و اطبا و شاهزادگان در جای خود مثل اشخاص سگته کرده و بی‌حس و بی‌حرکت ماندند یک عالم محترم اسلامی، ایستاده و در موقعی که وقت به سرعت و بی‌خبر می‌گذشت و ظهر آن روز آن امر از اختیارات ایشان خارج می‌گشت و هیچ رأی نمی‌توانستند بدهند آن بنده خدا نطق مختصر مناسب حال و به موقعی نمود و گفت شاید مشیت خداوند بر این امر قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور سلب شود ولی سزاوار نیست که ما خودمان به امضای خود (آن را) از دست داده و ترک کنیم و دستهای مرتعش خود را، برای دادخواهی و تظلم، به سمت مردم حرکتی داده و در جای خود نشست [۱۳۵۱: ۲۲۶].

از بررسی آخرین جلسات مجلس دوم چنین به دست می‌آید که آن «عالم محترم اسلامی»

کسی جز شیخ محمد خیابانی نبوده است. تنها او بود که در سه نوبت نطقی که ایراد نمود به صورت قاطع نظر به ردّ اولتیماتوم داشت [مشروح مذاکرات مجلس دوم فصل آخر، اولتیماتوم].

برنامه جدید مبارزه از سوی علمای نجف

در چنین شرایطی تصمیمات مهمی در نجف و در منزل آخوند اتخاذ گردید. برنامه مبارزه با تعدیات روس و انگلیس به شرح زیر اعلام شد:

- ۱ - با جمیع علمای نجف و طلاب و عشایر عرب، برای جهاد به سوی ایران حرکت کنند.
 - ۲ - به وسیله تلگراف به رؤسا و عشایر و ایلات، امر نمایند که در مقام حفظ استقلال ایران برآمده، و خود را برای نبرد و دفاع از خاک میهن آماده سازند.
 - ۳ - به عموم مسلمین عالم از هند و قفقاز و غیره، دستور دهند که در تمام ممالک، در یک روز همه با هم دست از کسب و کار کشیده و به عنوان همدردی در یک جا جمع شوند و رفع تعدیات روس و انگلیس را از ایران بخواهند [مجید کفائی: ۱۳۵۹: ۲۵۵].
- شاهدان عینی و حاضر در نجف، مطالب ارزشمندی را گزارش نموده‌اند [ترکمان: ۳۵۸ - ۳۵۹] سفیر روس در بغداد به وسیله وکیل خود تلاش نمود که آخوند را از فکر جهاد علیه روس باز دارد و طی یادداشتی موضوع را کوچک شمرده و ریشه قضیه را شوشتر و اقدامات او دانسته است و وعده نموده که به زودی عساکر روس کشور را تخلیه خواهند نمود. یادداشتی که توسط آخوند به سفیر روس ارسال شده حکایت از عزمی راسخ برای بسیج مسلمانان علیه روس دارد:

... لازم است که از دولت متبوعه خود خروج عساکر را از خاک ایران بخواهند و آن اولتیماتومی که اسباب سلب استقلال و حاکمیت ایران است، پس بگیرند و الاً چنانچه بر حسب تکلیف شرعی حکم دفاع و جهاد، به عموم مسلمین روی زمین خاصه ملت متحده ایران داده شد، صفحات خاک از خون صدها میلیون نفوس رنگین خواهد شد و صبر و تحمل عموم مسلمین تمام گشته، و تا یک ورق از قرآن چنین بین مسلمین موجود است، مغلوب نخواهند شد و خود ما علمای مجتهدین ملت حاضریم که تا آخرین قطره خون خود را در راه حفظ مملکت و ملت ایران فدا سازیم و مسئولیت ریختن این خونهای ناحق، و کشته

شدن نفوس معصوم، بر ذمه کسانی است که بدون حق معلوم، و سبب صحیح هجوم بر خاک میهن کرده، خواهد بود [ترکمان: ۲۵۷].
حیوة الاسلام^۱.

آخوند به دنبال ارسال یادداشت فوق، اقدام به تدوین و پراکندن چندین تلگراف به اشخاص و مراکز و دول عالم نمود.

در تلگرافی خطاب به مجلس شورای ملی از ملت ایران خواست که «در تخلص ممالک اسلامیة، سلطهٔ اجانب، با دولت موافقت نموده، بدنامی ابدی محو اسلام را به وسیلهٔ رقابت و نفاقهای داخلی و اغراض شخصی و جنگهای خانگی بر خود روا ندارند» [ترکمان: ۲۵۸].

در تلگراف بعدی خطاب به امرا و رؤسای عشایر قنوجا به جهاد داده است:

... اليوم کلمة طيبة اسلام در معرض ذهاب ابدی و دفاع به مال و جان و

ثبات تا آخرین نفس بر تمام مسلمین واجب است [ترکمان: ۲۵۹].

آخوند در یک تلگراف مبسوط خطاب به امپراتور روسیه خواستار اعادهٔ قشون روسیه از ایران و رفع ظلم و تجاوز از ملت ایران گردید [ترکمان: ۲۶۴]. در نامهٔ دیگری که آخوند به تمام «دول متمدنه عالم» فرستاد ضمن اشاره به فجایع روسها از زمان به توپ بستن مجلس تا داستان اولتیماتوم، حملهٔ شدیدی به سیاست تجاوز مآبانهٔ انگلیسیها در ایران نموده و آنان را همچون روسها در یک ردیف نشان داده است.

دولت انگلیس که از سالهاست خود را در اقطار عالم، به عدالت پرستی و آزادی پروری معرفی فرموده است، نسبت به ایران مسلک تویم و قدیم خود را از دست داده، همدستی با روس را اختیار و در مقام برآمد که همان معاملهٔ روس با شمال ایران را در صفحهٔ جنوب معمول دارد و عساکر خود را به بهانهٔ اغتشاش به جنوب سوق نماید [ترکمان: ۲۶۴].

موضعگیری آخوند علیه انگلیس و روس این اتهام را که وی تحت تأثیر انگلیس با روسها مخالفت می‌ورزید، کاملاً منتفی می‌سازد. روسها به موازات اشغال و عملیات تجاوزگرانه، در

۱. به نقل از کتاب حیوة الاسلام که نویسندهٔ شاهد و حاضر در حوادث آن روز بوده است.

دو نقطه فجایی را مرتکب شدند که به شدت موجب تحریک مردم و زعمای دینی آنان گشتند. از اوایل محرم ۱۳۳۰ ق. جنگهای خونینی بین مجاهدین تبریز و روسهای متجاوز رخ داد که نهایتاً با دستگیری ثقةالاسلام و شهادت تعدادی از مدافعین شهر فروکش نمود. ثقةالاسلام قبل از دستگیری در پاسخ به خیرخواهی دوستان که از او خواسته بودند که به سفارت عثمانی پناه برد، اظهار داشته بود:

هنگامی که در میزان شکست عباس میرزا، آقا میرفتاح جلو افتاده شهر تبریز را به دست روس سپرد از آن زمان صد سال می‌گذرد و همیشه نام میرفتاح به بدی یاد می‌شود. شما چگونه خرسندی می‌دهید که من در این آخر زندگی از ترس مرگ خود را به پناهگاهی کشم و دیگران را در دست دشمن گذارم [کسروی: ۳۰۵].

انجمن سعادت [جمعیت ایرانیان مقیم استانبول] در تاریخ ۱۲ محرم ۱۳۳۰ (سوم ژانویه ۱۹۱۲) گزارش دستگیری و اعدام ثقةالاسلام را چنین بیان داشته است:

هشتم محرم کوماندان روس وارد تبریز و نهم ماه جمعی از مشروطه‌طلبان را دستگیر و روز عاشورا هشت نفر را که از جمله ثقةالاسلام مجتهد بزرگ که محل اعتماد علمای اکناف و مرجع اهالی بوده با صادق الملک و شیخ سلیم و چند نفر از محترمین به دار زدند. هیأت دولت نظر به نصایح دولت عثمانی اولتیماتوم روس را محض اینکه جلو بهانه‌جویی و خونریزی را بگیرد قبول کرد که روسها از خونریزی و شدت عمل کناره نمایند. متأسفانه علاوه بر کشتار زیادی که در آن چند روز اول از مردم بی‌گناه کرده‌اند، در مثل همچو روز مقدس از شهید کردن این مجتهد بزرگ و سادات و محترمین، اهالی را به بدترین صورتی، البته در قلوب مسلمین یک عداوت ابدی از این بی‌رحمی تاریخی متمکن نمودند [براون ۱۳۶۱: ۸۲-۸۳].

بازتاب شهادت ثقةالاسلام در ایران و بخش از جهان اسلام بسیار گسترده بود روزنامه‌های مصری سلسله مقالات متعددی علیه سیاست روس و جنایات آنان به تحریر درآوردند. روزنامه

المؤید چاپ قاهره به تمجید و تحمید از ثقة‌الاسلام پرداخت و پیشنهاد احداث بنای یادبود در میادین شهر را مطرح ساخت [براون ۱۳۶۱: ۹۱].

فجایع روسها در مشهد

در همان ایام، جنایات دیگری از طرف روسها در شهر مذهبی مشهد و نسبت به حرم مقدس امام رضا(ع) رخ داد.

شهر مقدس مشهد در آن ایام (۱۳۳۰ ق.) بر اثر اختلافاتی که بین مشروطه‌طلبان و مخالفین آنها رخ داده بود به یکی از کانونهای بحران ایران مبدل گردیده بود. ضعف حکومت مرکزی، تحریک روسها و محمد علی شاه در به آشوب کشاندن منطقه خراسان، مردم آن ایالت را در خوف و وحشت و فقر و گرسنگی فرو برده بود. شیخ حسین اولیای بافقی، یکی از علما و اخباریون آن روزگار که مصایب وارده بر مردم آن دیار را یکی از علایم آخرالزمان و ظهور امام دوازدهم می‌دانست، در رساله خطی که از خود به نام «آشوب آخرالزمان» باقی گذاشته، به بعضی از حوادث که در آن ایام رخ داده و بویژه حمله روسها به حرم و مرقد امام رضا(ع) اشاره نموده است. در این رساله، پیامدهای انقلاب مشروطه در خراسان و تشتت و پراکندگی و دشمنی مردم با یکدیگر و عدم امنیت اجتماعی، جملگی یادآوری شده است.

مدارس علمیه عموماً تعطیل و طلاب و مدرسین به اوطان خود مراجعت کرده بودند صاحب رساله، علت آن را فساد و ناامنی و خوف از اشرار مستبدین و مشروطیت دانسته و اضافه نموده است که خود علما بعضی یا بعضی دشمنی دارند. اوضاع اجتماع را چنین توصیف نموده است:

مردم با یکدیگر نزاعهای بی‌ثمر دارند و اعتقادهای آنها فاسد شده است و بعضی از آنها مستبد نام خود را گذارده‌اند، بعضی مشروطه و بعضی از آنها دموکراتی و بعضی دیگر انقلابی و طایفه‌ای اعتدالی و طایفه‌ای دیگر طالب ترقی مملکت و وطن پرست و طایفه‌ای خوشحال به اینکه نامیده شوند به فرنگی مآبی و طایفه‌ای طبیعی صرف. حاصل، احوای مردم در کمال اختلاف می‌باشد و هر یک از آنها ضد مخالفت مشرب

خود را تعیین و ثبت می‌کنند و شاید بعضی از طوایف مذکور درصدد بودند با یکدیگر به مقامی رسیده باشند که یکدیگر را به قتل رسانند خم به ابرویشان نمی‌آید... حاصل، بعضی از اوقات دکانها مسدود و از تاجر گرفته تا پینه‌دوز بیکار می‌باشند و فساد و هرج و مرج زیاد می‌گردد... [اولیاء بافقی ۱۳۳۰ ش ۲۵۶ و ۲۵۷: ۵۲].

در چنین شرایطی حادثهٔ ارض اقدس طوس رخ داد. یوسف خان هراتی و نایب علی اکبر به همراه طالب اسحق که از واعظان مقیم مشهد بوده است، به عنوان طرفداری از حکومت محمد علی شاه و مخالفت با حکومت مشروطه قیام نموده و آستان قدس رضوی را سنگرگاه و پایگاه نظامی خود قرار دادند. صاحب رسالهٔ مذکور آنان را تحریک شدهٔ روسها می‌داند. حکومت تهران جز با ارسال تلگراف، اقدام دیگری در جهت آرام ساختن منطقه نتوانست انجام دهد. اشغال حرم و اماکن آن، به مدت دو ماه طول کشید که در این دو ماه بر اثر درگیریهای پراکنده بین قوای ضعیف دولتی و یاغیان حکومت، جو وحشت و ناامنی و به دنبال آن سرقت از منازل مردم پیش آمده بود. در این میان، روسها به بهانهٔ تأمین امنیت رعایا و سالداتهای خود را در اطراف حرم مستقر نموده و به تدریج شروع به پیشروی نمودند و نهایتاً در مناطق «پایین خیابان» و «بالای خیابان» و «باغ خونی» و «کاروانسرای سنگ» قوای خود را پراکنده ساختند. با این تدبیر، اطراف حرم در محاصرهٔ کامل روسها قرار داشت. سرانجام جنگ خونینی در دهم ربیع الثانی از دو ساعت به غروب مانده تا یکساعت و نیم از شب رفته، ادامه داشت. روسها با سلاح سنگین و توپخانه بخشهای مختلف حرم و گنبد را تخریب نمودند. تعداد زیادی از نفوس مردم که چهار صد نفر تخمین زده بودند، به شهادت رسیدند. اموال و اشیای قیمتی حرم و فرشهای نفیس و کتابهای فراوان خطی در این حادثه به یقما رفت.

به گفتهٔ شیخ حسین بافقی، تا سه روز روسها به کسی اجازهٔ ورود به داخل حرم را نمی‌دادند. فجایعی که در این سه روز رخ داد، احساسات و عواطف مسلمین را سخت جریحه دار ساخت. به گفتهٔ وی، روسها سگان و اسبان خود را در حرم و اماکن آن می‌چرخانیدند و «مردم شهر هم نفس نمی‌توانستند بکشند از ترس به جهت اینکه غلبهٔ کفر بود» [اولیاء بافقی ۱۳۳۰: ۵۸].

از همه بدتر زندهای فرنگی و ارمنی با سگان خود داخل صحن شریف

می‌شدند و جایی که سالهای سال آرزو داشتند ولو محض سیاحت
داخل شوند و احدی جرأت نداشت که دم بزند یا مانع شود [اولیاء بافتی
۱۳۳۰: ۵۸].

حرکت علمای نجف به سمت ایران

غارت و کشتار و هتک حرمت مسلمین و آستان قدس رضوی، از جانب روسها و انعکاس اخبار
آن به مرکز و نجف از عوامل مؤثر و تعیین کننده‌ای بود که علمای نجف را بر آن داشت که حرف
آخر را زده و علاوه بر صدور فتوای جهاد، در یک همایش عظیم مردمی، اقدام به حرکت دسته
جمعی به سوی ایران نمایند. حرکتی که هدف آن، جهاد مقدس با تجاوزگران روس بود.

آخوند خراسانی قبل از حرکت به سوی ایران، با صدور اعلامیه‌ای خطاب به «کافه مسلمین»
به توضیح اوضاع جهان اسلام پرداخته و از آنان خواستند که در این شرایط حساس، که دول
خارجی به قلمرو اسلامی دست اندازی نموده‌اند، از اختلافات و پراکندگی پرهیز نموده و
همچون ید واحده‌ای به دفاع از کیان اسلام برخیزند:

... از یک طرف ایتالیا به طرابلس و از طرف دیگر روس و انگلیس به
شمال و جنوب ایران قشون وارد نموده‌اند. اندک تسامح موجب ذهاب
اسلام است... بر قاطبه مسلمین و صاحبان فطرت اسلامیت و عرق
دیانت، «خصوصاً عشایر ایلات با حمیت، واجب عینی است که در
مقام دفاع از بیضه اسلام و رفع حملات ظالمانه صلیبیان، که بالضرور
الدینی، از اهم فرایض دینی است، اتفاق و اتحاد حقیقی نموده، از
تمام اغراض شخصی، که منشای این همه خرابیهاست، اغماض
نمایند... [مجید کفائی ۱۳۵۹: ۲۶۷].

صدور فتوای جهاد

آخوند در پس اعلامیه مذکور تلگراف مهمی به مؤتمن الملک رئیس مجلس به شرح زیر صادر
نمود.

مقام محترم جناب مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی

حکم جهاد و دفاع به عموم مسلمین ایران و غیره داده شد. امروز به حکم عقل و شرع عفو عمومی و جلب قلوب لازم، البته مبادرت در اعلان آن فرموده داعیان هم در خارج، عازم حرکت هستیم بعون الله تعالی [مجید کفائی: ۱۳۵۹: ۲۶۷-۲۶۸].

افرادی که در نجف ناظر بر قضایا بودند، شور و حالی وصف ناشدنی از حالات مردم و حوزه‌های علوم دینی به دست داده‌اند. نظام الدین زاده از اشخاصی است که شاهد بر ماجرا بوده و جزئیات قضایا را در کتابی که در سال ۱۳۳۵ ق. منتشر ساخته است، به تفصیل آورده است. وی در خصوص وضعیت طلاب متذکر شده است:

از یوم وصول تلگراف اولتیماتوم دادن روس و ادخال قشون خویش به ایران حضرات طلاب را، شور غریبی در سر و رگ اسلامی آنها در حرکت همه روزه در مسجد عمران مجتمع و در مقام تهییج یکدیگر بر دفاع روسیان نطقها می‌دهند. روز به روز بر کثرت و جمعیت آنها افزوده می‌شود. هنگامه‌ها دارند. امروز با جمعیت بسیار خارج از حد شمار با آلات مهیجه از بیرق و علم گریه کنان و شیون زنان و اسلاما گویان از مسجد مذکور به قصد خانه آقای خراسانی حرکت، صدای وا اسلاما، وادیناه، و شریعتا گوش فلک را کر می‌کرد و به آواز بلند در سر بازار و در مجامع مردم می‌گفتند ایها المسلمون وقت اتحاد و اتفاق است باید همگی در حفظ اسلام و استقلال ایران متفق و همدست و همراه باشیم [۳۵-۳۶].

نویسنده مذکور اشارات مبسوطی به موضع سید محمد کاظم یزدی طباطبایی در مخالفت با دسته آخوند خراسانی و عدم همراهی وی دارد. بنا به گفته همه علماء و مراجع نجف و کربلا در این امر متفق بودند و مسأله را دعوی بین مشروطه‌چی و هواخواه استبداد نمی‌دانستند بلکه از دید آنان مسأله اسلام و کفر در میان بود نه مشروطیت و استبداد [۱۳: ۱۳۳۰].

از تدابیر مهمی که از سوی رهبران مذهبی نهضت ضد اولتیماتوم اتخاذ گردید دعوت از

پادشاه عثمانی به عنوان خادم الحرمین الشریفین در دفاع از ثغور و نوامیس مسلمین و همراهی با مسلمین ایران در جهت مبارزه با روسها بود [نظام‌الدین زاده ۱۳۳۰: ۴۵]. بدون شک این روش حکایت از هوشمندی و ژرف نگری آخوند خراسانی و همفکران وی داشت.

به هر تقدیر علما بعد از فراهم کردن تمهیدات لازم، قرار بر این شد که عصر روز سه‌شنبه بیستم ذی‌الحجه به سمت مسجد سهله در اطراف نجف حرکت نموده و از آنجا به کربلا بروند و سپس وارد بغداد شده و در واقع علما و مردم دست به یک راهپیمایی عظیم سیاسی علیه اقدامات روس یزنند. شب بیستم ذی‌الحجه پس از متفرق شدن مردم و خلوت شدن منزل آخوند وی اظهار داشته بود که قصد دارد نماز صبح را در حرم حضرت امیر(ع) بجا آورد و بدین ترتیب زیارت و دُعا را برگزار نماید.

مرگ مشکوک و ناکامی نهضت

آخوند در نیمه شب پس از بجا آوردن تهجد و نماز شب، ناگهان حالش متقلب شد و بدنش رو به سردی رفت. در همان حال اصرار ورزیده که حرکت به سمت مسجد سهله به هر قیمتی بایستی انجام گیرد [نظام‌الدین زاده ۱۳۳۰: ۶۵]. با شدت گرفتن حال آخوند، اطرافیان سراسیمه دو پزشک بر بالین او حاضر می‌سازند. در حالی که نیم ساعت به طلوع آفتاب باقی مانده بود، آخوند جان به جان آفرین تسلیم نمود و «دکتورها» تقریر نمودند که مرض او خنق قلبی (سکته قلبی) بوده است.

در همان زمان بسیاری مرگ آخوند را عادی و طبیعی ندانسته بلکه آن را به عمال روس نسبت دادند.

نوه آخوند خراسانی از قول میرزا مهدی فرزند آخوند نقل کرده است که سه هفته قبل از مرگ آخوند، بعضی به او خبر داده بودند که مراکزی در صدد قتل آخوند به نحو زیرکانه و مرموز می‌باشند و آخوند پاسخ داده بود که کسی در این فکر نیست [مجید کفائی ۱۳۵۹: ۲۸۰].

کسروی پیامد مرگ آخوند و اثرات آن را در روند جنبش ضد روس بازگو نموده است:

در بیست و یک آذر ماه خبر مرگ آخوند خراسانی رسید. چنانکه گفتیم این مرد پیشوا با حاج شیخ مازندرانی و دیگران فتوای جهاد دادند و

خودشان آماده به آمدن می‌شدند و انبوهی از ایرانیان از کربلا و نجف و دیگر شهرهای عراق به جنبش آمده همراه ایشان روانه ایران می‌گردیدند و این آگاهی به همه جا رسیده از بسیاری از شهرها تلگراف فرستاده از جنبش علما شادمانی می‌نمودند. حاج شیخ مازندرانی و دیگران تا کربلا پیش آمده و در آنجا چشم به راه آخوند داشتند که ناگهان روز بیست و یک آذر خیر مرگ او را دریافتند... از این پیشامد جنبش عراق فرو نشست و پس از آخوند کسی که جای او را گیرد، نبود. از این سوی در ایران نیز در همه جا این خبر پر و بال مردم را شکست و شاید از آن روز بود که جوش و خروش رو به کاستن گذاشت [۳۱۳].

به هر حال وفات آخوند یک مرحله از جنبش علما در ایران را به سر آورد از نتایج قطعی آن پذیرش اولتیماتوم از سوی مستخین دولت و مجلس بود. اقدامی که حیثیت و اعتبار یک ملت بزرگ و بخشی از امت اسلام را در روند مبارزه با تهاجم غرب به قلمرو اسلامی به مخاطره انداخت. از آن پس خیزش و جنبش علما و نهادهای روحانیت صورتی دیگر به خود گرفت. بدون شک مرگ آخوند در حادثه اولتیماتوم نقطه عطفی در تحولات سیاسی ایران به شمار می‌آید و از آن پس ملاکی برای ارزیابی میزان توفیقی یا عدم توفیق مشروطیت از سوی علما اعلام گشت.

منابع

- اوئیاء بافقی، شیخ حسن. (۱۳۳۰ ق.). رساله «آشوب آخرالزمان». درج در *مجله وحید*.
- براون، ادوارد. (۱۳۶۱). *نامه‌هایی از تبریز*. حسن جوادی. تهران: خوارزمی.
- ترکمان، محمد. *اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مقالات سوده‌مند و مسوط ترکمان در روزنامه کیهان از تاریخ ۶۴/۱/۲۱ تا هشت شماره انتشار یافته است.
- دهخوارقانی، شیخ رضا. (۱۳۵۶). *وقایع ناصری و توضیح مرام*. به کوشش علی سیاهپوش. انتشارات دنیا.
- زمانی، صفر. (۱۳۷۹). *تاریخچه احزاب و حزب دمکرات ایران*. تهران: واژه آلا.
- سفری، محمدعلی. (۱۳۷۰). *مشروطه‌سازان*. نشر علم. چاپ اول.
- شوستر، مورگان. (۱۳۵۱). *اختناق ایران*. ابوالحسن موسوی شوستر. تهران: انتشارات صفیعلیشاه.
- کسروی، احمد. *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*.
- مجید کفائی، عبدالحسین. (۱۳۵۹). *مرگی در نور (زندگانی آخوند خراسانی)*. تهران: زوآر.

- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). شرح زندگانی من. تهران: زوار.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.
- نجفی، موسی. (۱۳۷۱). اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران. انتشارات آستان قدس. چاپ اول.
- نظام‌الدین زاده. (۱۳۳۰). هجوم روس به ایران و اقدامات رؤسای دین در حفظ ایران. بی نا.
- Sykes, Persy. (1921). *History of Persia*.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی